خبرها

دو ترجمه از نیچه در نشر جامی

شرق: انتشارات جامی در ادامه چاپ مجموعه آثار نیچه اخیراً دو کتاب جدید از او به بازار نشر فرستاده است که هر دو این کتاب‌ها متعلق به دوران متاخر تفکر نیچه هستند. «این است انسان» و «انسانی بسیار انسانی» عناوین این دو کتاب است و در آنها نیچه به بسط تفکری می‌پردازد که شاید بتوان ذیل عنوان «غریزه آری گوی به زندگی» آن را صورت‌بندی کرد. نیچه در کتاب «این است انسان» به تشریح موقعیت خود در مقام خالق کتاب‌هایی می‌پردازد که به زعم او در دوران آینده فهمیده خواهد شد. او در بخش اول کتاب به ناتوانی‌ها و ضعف‌هایش در هضم تفکری که تنها به زندگی و اقتضائاتش می‌پردازد و از هر نوع متافیزیک بریده شده، اشاره می‌کند و کتاب‌هایش را بازتاب هضم چنین اندیشه‌ای معرفی می‌کند. در جایی که نیچه به روایت سفرهایش و بیماری‌ها و مصائبی که از سر گذرانده می‌پردازد؛ مورخان، آن را همزمان با عشق نیچه به لوسالومه می‌دانند. دختری که به ابراز علاقه نیچه، پاسخ منفی داده و در کتابی که سال‌ها بعد از مرگ نیچه پیرامون او نوشته، به تشریح دلایل چنین رفتاری با او پرداخته است. در فصل پایانی کتاب «این است انسان» به ماجرای نیچه با «لوسالومه» و تحولاتی که به واسطه این آشنایی در زندگی نیچه رخ داده، پرداخته شده است و نویسنده در سطرهای آغازین این بخش اشاره می‌کند که می‌توان با خواندن این ماجرا از دلایل رویکرد شاید خصم‌آمیز نیچه نسبت به زنان پرده برداشت. هر چند که به نظر می‌رسد اگر خصم‌آمیز بودن نگاه نیچه نسبت به زنان را بپذیریم (که پیرامون آن تردیدهای جدی وجود دارد) آن وقت باید دلایل شکل‌گیری این نوع نگاه را در رفتارهای خواهر نیچه جست‌وجو کنیم تا زن فرهیخته‌ای چون لوسالومه. اگر درگیر خواندن آثار نیچه شده‌اید و اندیشه او بر افکارتان تاثیر گذاشته، پس حتماً خواندن یادداشت‌های او پیرامون چگونگی نگارش کتاب‌هایی چون چنین گفت زرتشت، فراسوی نیک و بد، تبارشناسی اخلاق و... در کتاب «این است انسان» به کارتان خواهد آمد و شما را در فهم بهتر اندیشه نیچه یاری خواهد داد.

کتاب دیگر «انسانی، بسیار انسانی» است که مقدمه نیچه پیرامون این کتاب به ما در فهم اهداف او از نگارش آن کمک خواهد کرد. نیچه در مقدمه کتاب از چهار مرحله در زندگی انسانی که فراتر از «زندگی گله‌ای» می‌اندیشد، سخن می‌گوید و اگر بخواهیم این چهار مرحله را ساده‌سازی و خلاصه کنیم باید مرحله اول را مرحله پذیرش تمام سنت‌های به جا مانده از گذشته توسط فرد بدانیم که در مرحله بعد او به شورش علیه این سنت‌ها بر می‌خیزد و مقدمات مرحله سوم که همان «نیست‌انگاری» است را پدید می‌آورد. این مرحله پلی به سمت سکوی چهارم و نهایی است که در نتیجه آن «آری گویی به زندگی و مافیها» پدید می‌آید و فرد خداوندگار سلیقه خود می‌شود و شخصیتی فرمانروا و نه فرمانبردار پیدا می‌کند. اما نیچه همچون سایر کتاب‌هایش ویژگی‌های فکری این شخصیت فرمانروا و ابرمرد را معرفی نمی‌کند. چه، او با تفکر و سلیقه ابرمرد کاری ندارد بلکه تحمیل این تفکر و سلیقه بر دیگر مردمان را می‌ستاید. تحمیلی که سایر مردمان را در حالتی قرار می‌دهد که این تفکرات و سلایق را چون حقایقی ازلی می‌پندارند و به آنها شک نمی‌کنند. بر همین اساس است که نیچه بر اخلاق گرایان و «نیکان» و «عادلان» می‌تازد و آنها را آغازکنندگان پایان می‌داند.

چه آنها در پی به سنت درآوردن و ثبات بخشیدن به تفکرات ابرمردان هستند و با تولد هر اندیشه ابرمردی دیگر مخالفت می‌کند.

هر دو کتاب «این است انسان» و «انسانی بسیار انسانی» توسط دکتر سعید فیروزآبادی از زبان آلمانی به فارسی ترجمه شده است و هر چند که پیرامون کیفیت این ترجمه باید اهل فن نظر بدهند اما پیرامون نثر فارسی آن باید اشاره کرد که خواننده را دچار مشکل نمی‌کند و در نتیجه خواندن و فهم آن راحت‌تر است.

ادامه از صفحه ۱۵

این همان سرزمینی است که مغول‌ها هم نتوانستند در آن رخنه کنند و شمشیرهایشان را به قلم‌ها تسلیم کردند. مفهوم «بحران نشر» از دهه ۴۰ در ادبیات انتقادی مقالات و نوشته‌ها و گفته‌های فعالان نشر و فرهنگ و نویسندگان و منتقدان رایج و متداول شد (رجوع شود به گزارش‌های نشریه کتاب هفته در این دهه) و از آن زمان کمی تیراژ (شمارگان فعلی)، کمبود کتابخوان و ضعف فرهنگ کتابخوانی و مشکلات اقتصادی نشر و... مطرح بوده است. امروز همان مسائل به نحو گسترده‌تر و پیچیده‌تر ادامه یافته است. شاید بتوان این مجموع از مسائل را با ارجاع به چهار مسئله اصلی طبقه‌بندی کرد:

۱- دولت بزرگ و بی‌حد، غیرپاسخگو و با منابع مالی لایزال؛

۲- مولفان و ناشران و نهادهای بی‌حق، کم‌بنیه و فعال؛

۳- قوانین، مقررات و سیاست‌های غیرشفاف، ناپایدار و ناکارآمد؛

۴- تحولات و تغییرات پرشتاب تکنولوژی و ارتباطات در تبادل اطلاعات و دانش و فرهنگ. خروج از وضعیت کنونی نشر در گرو درک جامع و عمیق این وضعیت فرهنگی و تحلیل درست از آن.

۵- پاسخ ساختاری و راهبردی و همه‌جانبه‌نگر به حل این مسائل است. اگرچه مسائل نشر در ایران «کلی و ساختاری» است اما راه برون رفت از آن الزاماً کلی و «همه یا هیچ» نیست. می‌توان با راه‌حل‌های جزیی تغییرات ساختاری را پدیدآورد. به شرط آنکه این اقدامات «جزیی» تابع راهبرد و طرح کلی و دارای منطق ساختاری و نگرش آینده‌نگرانه باشد. نگرش کمیت‌نگرانه در حوزه فرهنگ شکست خورده است. با افزایش کالاها و محصولات فرهنگی نمی‌توان به اصلاح و بهبود کیفیت و بهینه‌سازی روش‌ها دست یازید. کما اینکه شمارگان میلیونی روزنامه‌ها و کتاب‌های رسمی در شوروی سابق، فرهنگ سوسیالیسم و بی‌طبقه را پدید نیاورد و در برابر فروپاشی بلوک شرق مقاومتی را برنینگیخت. اصلاح روش‌ها و تغییر ساختار در حوزه فرهنگ خودآگاهی و درایت و کنش جمعی فعالان و فاعلان فرهنگ را می‌طلبد.

ظهور و سقوط حقوق زنان

درباره کتاب «جنبش حقوق زنان در ایران: طغیان، افول و سرکوب»

آنچه را که ما امروزه از آن به عنوان جنبش حقوق زنان یاد می‌کنیم باید در جنبش روشنگری قرن هجدهم اروپا جست‌وجو کرد، جنبشی که در فرانسه و بعد از انقلاب کبیر ۱۷۸۹ با اعلامیه حقوق زنان «اولمپ دوگوژ» به اوج خود رسید و در انگلستان بود که خانم مری وولستنکرافت به سال ۱۷۹۲ با انتشار کتاب «دفاع از حقوق زنان» به‌طور جدی در پی تلاش برای دفاع از حقوق زنان جزیره خویش برخاست، این جنبش موج‌های اقیانوس اطلس را نیز درنوردیده و در آمریکا فعالیت زنان برای دفاع از حقوق خود (کسب حق رای) با جنبش ضد برده‌داری پیوند خورده و می‌توان به جرات زنان را پرچمدار مبارزه برای لغو قانون برده‌داری در آمریکا دانست. شاید بتوان ادعا کرد که در سراسر قرن بیستم (حتی تا به امروز) جنبش حقوق زنان یکی از مهمترین و چالش‌برانگیزترین موضوعات در محافل مختلف سیاسی، اجتماعی و حقوقی جهان بوده است، کسب کردن حق رای، ایجاد تغییرات در قوانین مدنی و حضور یافتن زنان در عرصه عمومی زندگی و اشتغال در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را می‌توان از آن جمله برشمرد. حال در اینجا می‌خواهم بپرسم که زنان در طول حیات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، علمی و فرهنگی جامعه ما چه نقشی را ایفا کرده‌اند. تحقیقات خانم الیز ساناساریان که در ماه‌های پایانی حکومت محمدرضا پهلوی به ایران مسافرت کرده است، به این موضوع می‌پردازد.

محمد نجاری: «جنبش حقوق زنان در ایران» عنوان کتابی است که ساناساریان آن را به رشته تحریر درآورده و در آن از تحلیلی جامعه‌شناسانه براساس داده‌های تاریخی بهره جسته است. وی فصل اول کتاب خود را تحت عنوان مقدمه با شعری از زندخت شیرازی آغاز می‌کند «کار تجارت از چه معنی کار زن نیست- کار صناعت با چه منطق کار من نیست» (ص ۱۳) و معتقد است اوایل دهه ۱۲۸۰ ه. ش. را می‌توان مرحله آغازین جنبش فمینیستی در جامعه ایران دانست. جامعه‌ای که در آن مقطع تاریخی پیوسته در میان پایبندی به سنت و پروژه مدرنیزاسیون سرگردان بود. وی چارچوب نظری و مشکلات تحقیق خود را نیز به‌طور مختصر در مقدمه کتاب مطرح کرده که در جای خود جالب و خواندنی است. فصل دوم کتاب به موضوع «موقعیت زنان و ریشه‌های مشارکت اجتماعی و سیاسی آنان» اختصاص دارد. وی در ابتدا به بررسی وضعیت زنان قبل از اسلام در ایران می‌پردازد و معتقد است که اطلاعات لازم و کافی در این‌باره به‌طور مدون در دسترس نیست و تنها تعدادی از مورخان یونانی در باب زنان ایرانی و موقعیت آنان نظراتی را بیان داشته‌اند. «تنی چند از مورخان یونانی نوشته‌اند زنان از برخی آزادی‌های حقوقی و اجتماعی و نیز از عزت و احترام زیادی برخوردار بودند» (ص۲۷) آنها در امور اجتماعی مشارکت داشته و در جنگ‌ها و درگیری‌ها حضور پیدا می‌کردند. وی به‌طور مختصر به پادشاهی دو زن (پوراندخت و زندخت) در دوره ساسانی و نقش و جایگاه زنان در آیین زرتشت اشاره می‌کند پس از آن به تحلیل و بررسی وضعیت زنان در دوران معاصر می‌پردازد. ویژگی‌ها و شرایطی را که وی برای زنان در این دوره برمی‌شمارد می‌توان به ترتیب زیر دسته‌بندی کرد: ۱- عدم داشتن فرصت‌های شغلی ۲- جدا بودن زن و مرد چه در خانه و چه در خیابان ۳- رایج بودن ازدواج‌های اجباری ۴- نداشتن حق طلاق. وی در ادامه به نکته بسیار جالبی در مورد شرایط روانی حاکم بر ذهن و رفتار زنان و ثبات این شرایط اشاره می‌کند. «شرایطی چنین نابرابر همراه با نوعی پذیرش درونی شده در زنان، هر چه بیشتر تقویت می‌شد و آنان را به گردن نهادن و عدم اعتراض به وضعیت خود تشویق می‌کرد. اکثر زنان به فرودستی و جنس دوم بودن خود گردن نهاده بودند و باور داشتند که این سرنوشت آنها است.» (ص ۳۰) در ادامه ساناساریان به انقلاب مشروطه و جایگاه و نقش زنان در این دوره اشاره می‌کند و به این نکته می‌پردازد که چه شرایط اجتماعی و سیاسی عامل نوشتن اولین قانون اساسی در ایران گردیده اما درباره جایگاه و موقعیت زنان در این قانون می‌نویسد: «قانون اساسی ۱۲۸۵ ایران هیچ حقی برای زنان قائل نشده بود و آنان را همراه با مهجوران و مجرمان از حق رای محروم کرده بود.» (ص۳۸) هر چند که زنان در انقلاب مشروطه حضور جدی داشتند، در ادامه وی به نحوه مشارکت زنان در جریان انقلاب مشروطه اشاره می‌کند که آنها را در زیر برمی‌شماریم: ۱- شورش زنان (با حمایت روحانیت) ۲- تشکیل دوره‌ها و انجمن‌های خانگی (آگاهی یافتن از مسئولیت‌های اجتماعی و غیرخانگی) ۳- حضور زنان در انجمن‌ها و سازمان‌های مخفی (شرکت در مبارزه برای حمایت از مشروطه) ۴- شرکت در مبارزه‌های غیرخشونت‌آمیز. وی در ادامه این بحث می‌نویسد: «بنابراین شواهد، روشن است که زنان در انقلاب مشروطیت فعالانه شرکت داشتند و با تشویق روحانیت علیه قدرت‌های خارجی به مبارزه برخاستند.» (ص ۴۱) در پایان هم بخشی را به چگونگی حمایت مردان از این جنبش اختصاص می‌دهد و از میرزاده عشقی، بهار و ایرج میرزا به عنوان طرفداران این جنبش نام می‌برد. در فصل سوم نویسنده به بررسی جنبش حقوق زنان در سال‌های ۱۲۹۸ تا ۱۳۱۱ هجری شمسی می‌پردازد. وی پنج ویژگی که رودلف هبرل و هربرت بلومر پیرامون ویژگی یک جنبش اجتماعی بر می‌شمارند را محتوای تحلیل خود قرار می‌دهد. ۱- وجود گروهی ناراضی از نظم موجود ۲- قصد برای تغییر در محتوای نظم موجود ۳- انجام فعالیت‌های مستمر برای دستیابی به این تغییرات ۴- وجود شبه ساختار نه لزوماً یک ساختار سازمان‌دهی شده (مثل یک حزب سیاسی) ۵- داشتن درک واحد از هدف جنبش. نویسنده در ادامه به تحلیل موقعیت زنان براساس پنج ویژگی فوق می‌پردازد. ۱- ویژگی‌های اول و دوم: «شماری از مردان و زنان در نقاط مختلف کشور نارضایتی عمومی‌شان را نسبت به شرایط نابسامان زنان ابراز می‌کردند. نثرها، اشعار و مکتوبات شماری از فعالان زن آن دوره به روشنی بیانگر عدم رضایت‌شان نسبت به تصویر زن در جامعه است.» (ص ۵۵) وی نمونه اشعاری را نیز در تائید این موضوع می‌آورد که شعر میرزاده عشقی از مهمترین این اشعار است. ۲- ویژگی سوم: وی پیرامون ویژگی سوم که بر فعالیت‌های مستمر تاکید می‌کرد معتقد است که وجود نشریات زنانه، گشایش مدارس دخترانه و سازمان‌دهی زنان در این مسیر را می‌توان دلیلی قانع‌کننده برای این مهم دانست، همچنین در ادامه به بررسی وضعیت نشریات، انجمن‌ها و مدارس دخترانه در ایران می‌پردازد که بسیار جالب و خواندنی است. ۳- ویژگی چهارم و پنجم: وی معتقد است که نشانه‌هایی از وجود ارتباط بین اعضا و گروه‌های مبارز زنان در آن سال‌ها وجود داشته است «برای نمونه وقتی نشریه نامه بانوان در تهران به راه افتاد، نشریه زبان زنان در اصفهان در شماره تیرماه ۱۲۹۸ (ه. ش.) خود در مقاله‌ای ورود این نشریه فمینیستی را به جنبش زنان ایران تبریک گفت.» (ص ۷۰) وی در ادامه بر این نکته اشاره دارد که پیوستن زنان مبارز فعال در سایر شهرهای ایران به جمعیت‌های مبارز زنان در دیگر شهرها را می‌توان نشانه‌ای بر وجود شبه ساختار در این جنبش دانست. اما وی انتقاد اساسی را به جنبش حقوق زنان دارد و آن را به طور کلی این گونه بیان می‌کند، آیا زنان درک واحد و مشخصی از این جنبش دارند؟ وی می‌نویسد «ویلیام اونیل وقتی نوشت فمینیسم پیش از آنکه منتظر ظهور یک لنین باشد باید مارکس خود را داشته باشد» در حقیقت وی می‌خواهد بر این نکته اشاره کند که بنیان‌های نظری و تئوریک این جنبش بسیار نامشخص است.

«جنبش حقوق زنان در ایران: طغیان، افول و سرکوب»
الیز ساناساریان
ترجمه: نوشین احمدی خراسانی
نشر اختران

ولی ساناساریان برای پیدا کردن این ویژگی مشترک و شناسایی درکی واحد در میان فعالیت‌های جنبش حقوق زنان در ایران به مسئله حق تحصیل و سوادآموزی به‌عنوان تلاشی واحد در بین زنان مبارز تاکید می‌کند. وی معتقد است که زنان بر این باور بودند که سوادآموزی و تحصیل آنها را به تمامی مسائل پیرامون خود آشنا خواهد کرد و زنان را برای به دست آوردن حقوق از دست رفته خود منسجم‌تر خواهد ساخت. وی در پایان این فصل به این نتیجه می‌رسد که ویژگی‌های اولیه یک جنبش اجتماعی را می‌توان در جنبش حقوق زنان در ایران مشاهده کرد، جنبشی که توسط زنان طبقه متوسط و بالای جامعه ایرانی به ویژه شهر تهران هدایت می‌گردید. فصل چهارم به زوال اندیشه و جنبش حقوق زنان در سال‌های ۱۳۱۱ تا ۱۳۳۱ اختصاص دارد. نویسنده در این فصل از مدل فریمن در تحلیل خود بهره گرفته است که در ادامه بدان می‌پردازیم. وی معتقد است که از سه گزاره، جو فریمن در شکل‌گیری یک جنبش اجتماعی تنها گزاره نخست یعنی «وجود شبکه ارتباطی گسترده» را می‌توان با تسامح پیرامون جنبش حقوق زنان در ایران پذیرفت ولی دو گزاره دیگر «وجود شبکه‌های همگرا» و «فردی که سازمان‌دهنده» باشد را نمی‌توان در این جنبش مشاهده کرد. «در مورد جنبش زنان در ایران، شواهد ارائه شده نشان می‌دهد که تعداد زیادی رهبر در این جنبش حضور داشته‌اند اما به ندرت کسی که قادر به سازمان‌دهی این جنبش باشد به چشم می‌خورد.» (ص ۹۱) در ادامه ساناساریان به بررسی جنبش زنان در آن دوران می‌پردازد و معتقد است که در این مرحله هر چند که جنبش با افول مواجه می‌شود ولی اقداماتی هم صورت گرفت که بسیار قابل توجه بودند و می‌توان آنها را به این گونه تقسیم کرد. ۱- تغییر در قوانین طلاق و ازدواج، ۲- گسترش فرصت‌های آموزشی. وی در ادامه به بررسی هر یک از آنها می‌پردازد و نکات مثبت و منفی هر کدام را شرح می‌دهد وی پیرامون ممنوعیت حجاب به نکته بسیار جالبی اشاره دارد «کشف حجاب اجباری زنان ایران ویترینی پرزرق و برق و نمایشی برای جلب نظر جهانیان بود مبنی بر اینکه ایران غربی شده است» (ص ۱۰۴). که در حقیقت نشان‌دهنده دیکتاتوری رضاشاه است. وی همچنین به این نکته اشاره می‌کند که رضاشاه چگونه به سرکوب و سانسور نشریات اقدام کرده است و دیگر اینکه این جنبش در محیطی رشد کرده بود که هر گاه تصمیم تازه‌ای در جهت اهداف خود می‌گرفت با مخالفت‌های شدید اقشار و گروه‌های دیگر مواجه می‌شد که یکی از آنها وجود فرهنگی سنتی و مردسالار در جامعه بود و از آنجا که این جنبش، جنبش اقلیت‌های یک جامعه بوده عموماً با شکست مواجه می‌شد. «فقدان ثبات سیاسی و اقتصادی، سیستم ارتباطی ضعیف و مخالفت نیرومند اجتماعی جملگی مانع گسترش جنبش زنان شده بود.» (ص ۱۱۱) فصل پنجم که به بررسی موقعیت زنان در دوره محمدرضا پهلوی می‌پردازد. «رژیم محمدرضا شاه سیاست همگرایی تدریجی فعالیت‌های پراکنده زنان در سیستم سیاسی را در پیش گرفت.» (ص ۱۲۴) یعنی متمرکز کردن فعالیت زنان در چارچوب خاصی و مشخص و تحت نظارت یک سازمان مرکزی در مسیر هدف‌های حکومتی. وی در مورد جنبش حقوق زنان می‌نویسد «رژیم در چارچوب نیازش برای ارائه چهره شاه به‌عنوان رهبری ترقی‌خواه و دولتی مدرن، به سازمان زنان آزادی عمل قابل ملاحظه‌ای داده بود. برخلاف باور عموم، شاه به حقوق مساوی برای زنان معتقد نبود.» (ص ۱۳۹) وی در ادامه به نقد و بررسی آرای محمدرضا پهلوی پیرامون زنان می‌پردازد. فصل ششم و هفتم کتاب که به بررسی جنبش حقوق زنان علیه حکومت محمدرضا پهلوی اختصاص دارد خیلی به طور واضح به نگارش درنیامده است، مفاهیم به نظر بسیار پراکنده است! که قضاوت را برعهده خوانندگان فهیم کتاب می‌گذاریم، چرا که نویسنده سعی دارد فعالیت‌های زنان علیه رژیم پهلوی را غیرآگاهانه توصیف کند که این امر جای تاسف دارد زیرا که طبق اسناد و شواهد موجود زنان ما آگاهانه به مبارزه علیه رژیم پهلوی پرداخته بودند.

تصاویری از زنان ایرانی که در دوره قاجار از آنها عکاسی شده است.

تک درختی در کویر

محمود فاضلی: «خاطرات عزت شاهی» عنوان کتاب جدید محسن کاظمی است که اولین چاپ آن به مناسبت برپایی نوزدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب از سوی انتشارات سوره مهر انتشار یافته است. عزت شاهی از جمله مبارزانی است که توانست در جریان مبارزه با رژیم شاه از زیر ضربات مهلک ساواک و شکنجه‌های دوران بازجویی و زندان جان سالم به‌در برد. کتاب خاطرات عزت شاهی تاریخ دو دهه مبارزه با رژیم شاه و سرگذشت جریان‌های سیاسی قهرآمیز و گروه‌های مبارز مسلح و قصه آدم‌هایی است که با هر مرام، عقیده و مسلکی روزگاری برای رسیدن به آرمان‌های همبستگی بشری همچون عدالت، قسط، مساوات و جامعه‌ای خالی از تبعیض قیام کردند و برای آن خون دادند و خون ریختند. عزت شاهی در کتاب خاطراتش بی‌هیچ واهمه و تعارفی بسیاری از جریان‌ها و شخصیت‌های مطرح سیاسی تاریخ معاصر را به چالش کشیده است. خاطرات وی بی‌هیچ ملاحظه‌ای نسبت به منافع و مضارهای شخصی و شخصیتی و جناحی و حزبی و فقط به‌زعم او برای ایفای وظیفه در قبال تاریخ بیان شده است. آرمانشهر عزت شاهی پر از آدم‌هایی است که ترک زندگی نمودند، کار و زندگی را کنار گذاشتند و به دنبال ستیز با ظلم و فساد شدند.

تدوین‌کننده کتاب که در گذشته کتاب‌هایی همچون «خاطرات مرضیه حدیدچی(دباغ) و خاطرات احمد احمد» را منتشر نموده است این‌بار اقدام به انتشار خاطرات عزت شاهی یکی از مبارزین دوران ستمشاهی نموده است و در این مسیر سختی‌ها و مشکلات زیادی را متحمل شده است و برای نگارش کتاب از ده‌ها کتاب، روزنامه گفت‌وگوهای شفاهی و منابع انگلیسی استفاده نموده است. وی همچنین ده‌ها سند و تصویر را در کتابش ارائه نموده که بسیاری از آنها برای اولین بار انتشار یافته و همین امر بر ویژگی‌های کتاب افزوده است. تدوین‌کننده کتاب معتقد است: «شخص عزت شاهی همانند تک‌درختی است در کویر. آن‌قدر سختی و کم‌آبی کشیده که قوی شده است. من با شخصیت عزت شاهی از قبل آشنا بودم و آن زمانی بود که من خاطرات احمد احمد و جواد منصوری را دنبال می‌کردم. در حین این کارها به شخصیت استوار و نستوه عزت شاهی دست پیدا کردم ولی ایشان حاضر به مصاحبه نبود، اما بالاخره بعد از مدتی حاضر به مصاحبه شدند.»

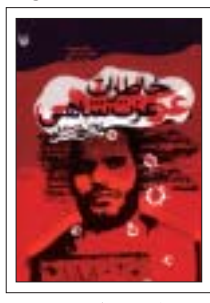

خاطرات عزت شاهی
تدوین و تحقیق: محسن کاظمی
سوره مهر - دفتر ادبیات انقلاب اسلامی
نوبت اول: ۱۳۸۵
۲۲۰۰ نسخه
۱۰ هزار تومان

اولین مشکل تدوین‌کننده کتاب، عدم رضایت شخص عزت شاهی برای نوشتن این کتاب بود. اما بالاخره رضایت داد. او خیلی رک، بی‌پرده و صریح سخن گفت و از پیامدهای گفته‌هایش باکی نداشت و با گذشت زمان افکار و نظریاتش دستخوش دگرگونی نشد و هنوز با همان ملاک‌های گذشته به تفسیر افراد و حوادث می‌پردازد. بیشترین مشکل محقق کتاب، دسترسی به اسناد بود. نویسنده برای نگارش کتاب نیاز به پرونده‌های ساواک و بسیاری از اسناد و مدارک داشته است که دسترسی به آنها گاهی غیرممکن بود. بسیاری از شخصیت‌های مورد نیاز نویسنده یا زنده نبودند و یا در خارج از کشور به‌سر می‌بردند. کتاب در واقع صدای اعتراض عزت شاهی است. تدوین‌کننده کتاب و نویسنده همچنین تلاش کرده است ضمن ایجاد انسجام و پیوستگی در خاطرات لهجه، لحن و محتوای کلام راوی آسیبی نبینند. حتی کوشیده است با به‌کارگیری کلمات مناسب کوتاهی و بلندی و احساس غم و شادی و حزن و سرور نهفته در صدا را تا حد ممکن به گوش خواننده برساند. تدوین‌کننده کتاب همچنین در شرح و تفسیر بعضی رویدادها و جریان‌های سیاسی معاصر و پرداخت شخصیت‌ها به گفتار و قول عزت شاهی بسنده نکرده است و به هر آنچه که ممکن بوده رجوع نموده است. از سوی دیگر برای ملموس شدن برخی موضوعات و مکان‌ها از عزت شاهی خواسته است که با یکدیگر به محل درگیری‌اش با مامورین ساواک برود و عزت شاهی از نو با توجه به مختصات آنجا شرح ماوقع را تکرار نمود. عزت شاهی و محقق در بازدید مشترک از کمیته مشترک ضدخرابکاری به دقت سلول‌ها و بندها، آلات شکنجه و تصاویر بازجویان و شکنجه‌گران را از نظر گذرانده‌اند و نویسنده یک‌بار نیز از عزت شاهی خواسته است دوباره لباس زندان پوشیده و به صلیب کشیده شود و به زیر آپولو برود که البته عزت شاهی به‌شدت درهم ریخت، منقلب شد و روح خاصی یافت و ساعتی را یکسره با چشمانی تر خاطره گفت. گویی که در دنیای دیگری سیر می‌کرد. تدوین‌کننده کتاب همچنین تلاش کرده است هرجا لازم باشد چهره‌ها و بازیگران خاطرات عزت را گویا و زندگینامه آنها را در دامنه زمانی عمر سیاسی و اجتماعی‌شان بررسی نماید. اگر چه عزت شاهی چند صباحی خود از برنامه‌ریزان و مجریان نظام جمهوری اسلامی بود، اما خیلی زود از این گذرگاه عبور کرد و فقط به نظاره وقایع سال‌های بعد و آثار و تبعات آن نشست. چرایی این اقدام را می‌توان در کتاب خاطراتش جست‌وجو کرد. کتاب خاطرات عزت شاهی در سیزده فصل تنظیم گردیده است. «سوی سور، مشق مسلحانه، مجاهد خلق، در زندان زنان، یادهای قصر، شب‌های کمیته مشترک، در اوین، سره از ناسره، مرزبندی‌های ایدئولوژیک، شام آخر، لب تنور، مرور و تحلیل بر مجاهدین و پیوست‌ها» عناوین فصول کتاب است. کتاب خاطرات عزت شاهی مملو از خاطرات خواندنی است و با قلم توانا و شیوای تدوین‌کننده کتاب و کسب تجربیات جدیدیش خواندنی‌تر شده است.

ناشران

کتاب‌های جدید نشر سوره مهر

شرق: انتشارات سوره مهر وابسته به حوزه هنری با بیش از ۴۰۰ عنوان کتاب در نوزدهمین نمایشگاه کتاب حضور فعالی دارد که از این تعداد عنوان کتاب بیش از ۶۰ عنوان کتب چاپ اول و ۴۸ عنوان به کتب تجدیدچاپ اختصاص دارد. نشر سوره در نمایشگاه سال جاری ۴۸ عنوان در بخش تاریخ، ۴۱ عنوان در بخش سینما و هنرهای نمایشی، ۲۰ عنوان در ادبیات آئینی، فرهنگی و مذهبی، ۱۱ عنوان در ادبیات مقاومت، ۹۳ عنوان در بخش کودکان، ۴ عنوان زندگینامه‌ها، ۱۳ عنوان هنرهای تجسمی و دستی، ۱۲ عنوان در طنز، ۵۱ عنوان در بخش شعر، ۲۳ عنوان رمان، ۵۹ عنوان پژوهش هنر، ۹ عنوان کتاب‌های نقد ادبی و ۱۷ عنوان کتاب در بخش موسیقی عرضه کرده است.

یکی از کتاب‌های جدید سوره مهر که در نمایشگاه کتاب نوزدهم ارائه شده است روشنفکری و جوانان نوشته احمد رزاقی است. این کتاب از چهار فصل با عناوین کلیات، مواضع و ماهیت روشنفکران بعد از انقلاب اسلامی، مواضع سیاسی روشنفکران سکولار و چه باید کرد؟ تشکیل شده است که مجموعاً ۳ بخش با عناوین اخلاق لیبرالیستی، روابط و اختلاط زنان و مردان سینما و هنر مردم و جامعه ایرانی، ارتباط با آمریکا، آزادی و دشمنان را شامل می‌شود. از دیدگاه نویسنده نظر به این که جریان‌ها و عناصر روشنفکری در ایران و بلکه در جهان همواره زمینه‌ساز تغییرات، تحرکات و تطورات مثبت و منفی مکرر و متعددی بوده و در مفاسد و مصالح ملت‌ها و دولت‌ها نقش تعیین‌کننده و مهمی داشته، لذا اثر حاضر از آن جهت که به مواضع و ماهیت روشنفکری در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب پرداخته اثری نو و در نتیجه قابل نقد است.

کتاب همان‌طور که از نامش پیداست به مواضع و نگرش روشنفکران سکولار پیرامون مقولات دین، فرهنگ و سیاست با عنایت به موارد و مصادیق بارز آنها در ایران بعد از انقلاب پرداخته و در فصل پایانی آن، شیوه‌های برخورد با این گروه از روشنفکران مورد بحث قرار گرفته است. بدون تردید نقد و بررسی دیدگاه‌ها و نقطه نظرات جریان‌های روشنفکری به معنای مخالفت با طرح و ارائه نظرات و دیدگاه‌های متفاوت و متضاد و تائید جامعه بسته و قبول سیاست تک‌صدایی و توتالیتر در کشور نیست. نویسنده با احساس این ضرورت و با توجه به فعالیت رو به تزاید و گسترده جریان‌های روشنفکری در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب به‌خصوص بعد از دوم خرداد ۷۶ در پی تصمیم و تالیف اثر حاضر برآمد، تا بدین وسیله بتواند زمینه‌های تحقیقات و تولیدات غنی‌تر و کامل‌تری را در این مورد فراهم آورد.

کتاب دیگر نشر سوره مهر «حمام روح» گزیده آثار جبران خلیل جبران (شاعر و نقاش مشهور لبنانی) ترجمه سیدحسن حسینی است که در ۱۵۶ صفحه و قیمت ۱۵۰۰ تومان انتشار یافته است. در بررسی آثار جبران خلیل گاه به آرا و عقاید گوناگون و بعضاً متناقض برمی‌خوریم اما واقعیت این است که روح آثار جبران با تمام ویژگی‌های رمانتیک روزگارش، روحی عارفانه و خداجو است و او در پرتو تشعشع این روح که گاه کم‌فروغ و گاه پرفروغ است، در جست‌وجوی حقیقت هستی قدم می‌زند. البته جبران خلیل گاه در کوران بررسی موضوعات فلسفی به لهجه «نیچه» سینه صاف می‌کند، اما نباید از نظر دور داشت که او در زیربنای عقاید و آرای خویش هیچ نسبتی با نیچه و اقمار او ندارد و بیشتر به عرفای وحدت‌وجود می‌ماند. جبران خلیل که در ستایش از پیامبر اسلام(ص) و حضرت مسیح(ع) و نیز در تمجید از مولای متقیان حضرت علی(ع) از روح خویش مایه می‌گذارد و قدرت را فقط در شق الهی و منزه آن موجه می‌سازد هرگز نمی‌تواند بر قدرت- از هر سنخ و خاستگاهی- انگشت تایید گذارد. کتاب‌هایی همچون: «پیامبر، باغ پیامبر، طوفان‌ها، پیشتاز، سرگردان، ارواح شورشی، اشکی و لبخندی، بال‌های شکسته، خدایان زمین، مجنون، عیسی پسر انسان، ماسه و کف» از مهم‌ترین آثار خلیل جبران است که از عربی به انگلیسی ترجمه شده است.

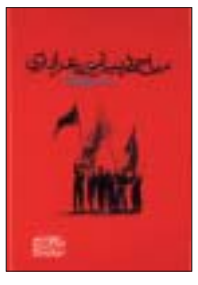

کتاب دیگر نشر سوره مهر «مباحثی پیرامون عزاداری» نوشته بهاءالدین قهرمانی نژاد نام دارد که در ۲۲۰۰ نسخه و با قیمت ۱۱۰۰ تومان چاپ شده است. کتاب در پنج بخش تاریخچه، کربلای ایرانیان و اهل بیت، مروری گذرا بر عزاداری در ایران و آسیب‌شناسی ارائه گردیده است که مجموع این پنج بخش عناوینی همچون: «پیامبر(ص) و عزاداری، پیشینه عزاداری در اسلام، جلوه‌های پیام‌رسانی، اجتماعات در تکایا و جنبش‌ها، خرافه‌ستیزی قیام‌ها و بزرگداشت‌ها، پرچم‌های سیاه و...» را شامل می‌شود.

از دیدگاه نویسنده تعزیت و عزاداری در اصطلاح رایج بین همه عرف‌ها و جامعه‌ها، مجموعه واکنش‌های مثبت و منفی است که انسان‌ها در برابر پیشامدها و بلایای طبیعی و غیر طبیعی از خود بروز می‌دهند که تقریباً واکنش‌های احساسی، اعم از اشک و آه و حالات عمومی آن است. شناخت گذرا از تاریخ عزاداری در اسلام و ایران، آموزه‌های آن و همچنین بررسی فتاوای علمای شیعه موردنظر این نوشتار بوده است.